

# علم اصول الفقہ

۲۰

۴-۸-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:  
مهدی الهادی الطهرانی

## عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- بنابراین:
- ۱- عظمت شیخ طوسی،
- ۲- جوان و بی-تجربه بودن حوزه‌ی نجف،
- ۳- نبودن افراد برجسته در دوره‌ی بعد از رحلت شیخ طوسی،
- ۴- فشار شدید بر شیعیان در اوایل دوره‌ی سلجوقی و ظهور دولت اسماعیلی در ایران،
- همگی از عوامل رکود شیعه در این دوران بود، اما اصلی‌ترین و عمده‌ترین عامل، خود شیخ طوسی بود.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- دو نکته
- در اینجا جا دارد به دو مطلب که شهید صدر در رابطه با رکود در حوزه-ی سنی مطرح کرده است، پردازیم:

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

• ا. رکود حوزه‌ی سنی و انسداد باب اجتهاد

• شهید صدر معتقد است که رکود در حوزه‌ی سنی به منسود شدن باب اجتهاد در آن حوزه منجر شد. دورانی را که شهید صدر بیان می‌کند، همان قرن پنجم و ششم هجری (نیمه‌ی دوم قرن پنجم و نیمه‌ی اول قرن ششم) است. در حالی که مسأله‌ی انسداد باب اجتهاد در حوزه‌های سنی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم، یعنی حدود سال‌های ۶۵۰ هـ. ق به بعد و زمان مغول، اتفاق افتاد و بر اثر آن مذاهب سنی در چهار مذهب منحصر شد. پس زمانی که ما مورد مطالعه قرار دادیم با زمانی که شهید صدر بیان می‌کند و انسداد باب اجتهاد را از آن نتیجه می‌گیرد، متفاوت است.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- ب. تحلیل رکود در حوزه‌ی سنی و شیعی
- شهید صدر بعد از این که انسداد باب اجتهاد را نتیجه‌ی رکود حوزه‌ی سنی قلمداد می‌کند، به تحلیل رکود در حوزه‌ی شیعی و سنی می‌نشیند. وی معتقد است، اگر چه هر دو حوزه (شیعی و سنی) دچار رکود شدند، اما عوامل رکود در آنها متفاوت بود. از این روی مسیر آنها نیز در ادامه‌ی تاریخ متفاوت گشت.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- رکود در حوزه‌ی سنی به انسداد باب اجتهاد و منحصر شدن مذاهب در چهار مذهب منتهی شد. در سه قرن چهار و پنج و شش، مذاهب مختلف فقهی و کلامی در بین اهل سنت پیدا گشت. این مذاهب، درگیری‌های فراوانی با هم داشتند که گاهی خونین هم بود. در قرن هفتم مذاهب در چهار مذهب منحصر شد و مذاهب دیگر منقرض گشت. البته درگیری‌های مذهبی همچنان ادامه داشت.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- اما در حوزه‌ی شیعی بعد از یک قرن رکود، شاهد حرکت دوباره‌ی اجتهاد و ادامه‌ی آن هستیم. تفاوت نتایج این دو رکود به علت تفاوت علل و نوع این دو رکود است.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- تفکر سنی به لحاظ توانایی‌های اجتهادی به بالاترین سطح خود رسیده بود و جایی برای رشد بیشتر در بستر تفکر سنی وجود نداشت. روش و مکتب سنی بیشتر از این قابل رشد نبود. تمام قابلیت‌های آن به فعلیت رسیده بود و در قله‌ی رشد خود قرار داشت. از این روی اجتهاد در حوزه‌ی سنی متوقف شد.



## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- اما در تفکر شیعی مسأله به این شکل نبود. نیروهای توانمند شیعی متمرکز در بغداد از شخصیت مولد اندیشه‌های نو، جدا شدند. شیخ به نجف آمد و حوزه‌ی شیعی جوان نجف، قدرت رسیدن به قله‌ی شیخ را نداشت. بنابراین باید مدتی بگذرد تا افرادی توان رسیدن به افکار بلند شیخ و نقد و بررسی آنها را بیابند. بعد از گذر این زمان که حدود یک قرن به طول می‌انجامد، دوران شکوفایی شیعه دوباره آغاز می‌گردد و باب طرح‌ها و بحث‌های نو باز می‌شود.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- به تعبیر دیگر رکود در حوزه‌ی سنی، نتیجه‌ی پیری و فرتوتی این تفکر و در حوزه‌ی شیعی، نتیجه‌ی جوانی آن بود. از این روی ثمره‌ی رکود سنی که پیر و فرتوت می‌نمود و قابلیت‌های به فعلیت رسیده داشت، انسداد باب اجتهاد بود و ثمره‌ی رکود شیعی که هنوز جوان بود و منتظر به فعلیت رسیدن قابلیت‌های خویش، حرکتی دوباره در مسیر اجتهاد. در حوزه‌ی سنی انسداد باب اجتهاد تثبیت شد و در حوزه‌ی شیعی باب بحث‌های اجتهادی تازه باز گردید.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- با این وصف، شهید صدر منشأ انسداد باب اجتهاد در حوزه‌ی سنی را به فعلیت رسیدن تمامی قابلیت‌های آن تفکر می‌داند. در حالی که واقعاً علت انسداد از دست دادن معیار اجتهاد است. اهل سنت در واقع معیار اجتهاد را از دست داده بودند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- ما معتقدیم مکتب اهل بیت علیهم السلام، یک مکتب تفسیری از دین و یک روش معیار و به اصطلاح امروزی، استاندارد برای فهم دین بود.
- اهل بیت علیهم السلام در طول بیش از دو قرن سعی کردند این روش را تثبیت و پایه‌های آن را محکم نمایند.
- شیعیان نیز بر همان روش و منش سیر کردند و هنوز هم تا امروز ادامه دارد.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- اما اهل سنت از همان آغاز به ابداع و طرح روش‌های مختلف پرداختند. افراط عقل-گرایی و اجتهاد به رأی، منشأ یک جریان و تفریط ظاهری-گری و انقیاد به ظاهر نصوص، منشأ جریان دیگر شد و البته جریان‌های میانی نه خیلی حادّ ظاهری و نه خیلی حادّ قیاسی و استحسانی نیز وجود داشتند که با توجه به میل به قیاس یا میل به نص و ظاهر روایات در ترتیب‌های متفاوت جای می‌گرفتند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- همین شیوهی عمل در تفکر سنی باعث شد دامنه‌ی اجتهادات سنی و تنوع مکاتب اجتهادی سنی گسترش یابد. اهل سنت، به خصوص حاکمان سنی احساس خطر کردند. آنها می‌دیدند هر روزی، هر سالی،... کسی قد علم می‌کند و بحث فقهی جدیدی را مطرح و با بقیه‌ی مکاتب در می‌افتد. این صحنه‌ی متنوع فقهی، حکومت آنها را با بحران مواجه می‌کرد. برای همین سعی کردند کم کم این تنوع را کاهش دهند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- در بین علمای سنی نیز زمینه‌های فرهنگی وجود داشت. آنها می‌دیدند دامنه‌ی اجتهادات خیلی دارد گسترش می‌یابد و هیچ کس به هیچ چیز پای-بند نیست، از این روی موافق محدود کردن این دامنه‌ها بودند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- کم کم این اندیشه پیدا شد که مکتب سازی کار هر کسی نیست، هر کس حق ندارد بگوید: ابو حنیفه این را گفته، شافعی آن را گفته و من هم چنین می گویم. این اندیشه موجب شکل گیری انسداد باب اجتهاد و حصر مذاهب در چهار مذهب گشت و چون این فرایند، یک فرایند فرهنگی بود، خیلی به کندی و آهستگی و در طول تقریباً سه قرن رخ نمود.



## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- این جریان ابتدا در مصر آغاز شد و به مرور در کشورهای مختلف مطرح گشت. البته در ابتدا چهار مذهب رسمیت نیافت؛ ولی کم کم به این چهار رسید و در آن متوقف شد.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- برخی انسداد باب اجتهاد را به عدم اجتهاد یک فقیه سنی تفسیر می‌کنند، در حالی که مسأله این گونه نیست.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- یک فقیه سنی حنفی مذهب مثلاً در قبال فتوای ابو حنیفه در مورد یک مسأله فتوای دیگری نمی‌دهد و به همان اکتفا می‌کند. در مسایلی که خود ابو حنیفه اختلاف نظر دارد یا رأی او دقیقاً معلوم نیست، سعی می‌کند فتوای ابو حنیفه را تشخیص دهد؛ به عبارت دیگر در این قسمت، کار این فقیه حنفی کشف فتوای ابو حنیفه است. در مسایلی که اصلاً ابو حنیفه فتوایی ندارد، خودش اجتهاد می‌کند و فتوا می‌دهد اما بر اساس همان مبانی -ای فتوا می‌دهد که ابو حنیفه، در آنجا که فتوا داده، بر اساس آن مبانی فتوا داده است. یعنی یک حنفی باید به گونه‌ای فتوا دهد که با فتاوی دیگر ابو حنیفه ناسازگار نباشد.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- پس معنای انسداد باب اجتهاد این نیست که اصلاً یک فقیه و مجتهد سنی، اجتهاد نمی‌کند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- البته تعداد مجتهدان آنها، به خصوص در بعضی دوره‌ها کاهش پیدا کرده و خیلی از آنها در حد مسأله-گو هستند، نه در حد مجتهد که بتوانند در مسایل جدید اظهار نظری بکنند. ولی به یک معنایی، در هر دوره‌ای در سطوح مختلف مجتهد هم داشتند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- با انسداد باب اجتهاد و منحصر شدن مذاهب در چهار مذهب، هر سنی مختار است رأی یکی از چهار شخصیت ابو حنیفه، شافعی، احمد حنبل و مالک را انتخاب نماید؛ اما حق ندارد رأی پنجمی در قبال آن چهار رأی داشته باشد.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- جریان حصر مذاهب، یک جریان غالب در جهان اهل تسنن بود، اما مخالفانی هم داشت. یکی از مخالفان این جریان ابن تیمیه است. او معتقد بود امامان آن مذاهب اربعه خود مجتهد بودند، من هم مجتهد هستم چرا باید به فتاوی آنها پای-بند باشم.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- تفکر وهابی‌ها و سلفی‌ها نیز بر همین اساس سامان یافت. از این روی آنها صاحب آرای‌هایی هستند که با هیچ یک از مذاهب سازگاری ندارد؛ اگر چه در بعضی مباحث به لحاظ مبانی با بعضی از مذاهب موافق هستند؛ مثلاً از لحاظ مبانی اجتهادی، ظاهری و بسیار به حنابله نزدیک هستند. شیخ آغا بزرگ تهرانی تعدادی از علمای سنی را نام می‌برد که معتقد به انفتاح باب اجتهاد هستند.



## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- نکته‌ی قابل تأمل دیگری که در نظر شهید صدر نسبت به رکود در حوزه‌ی سنی وجود دارد این است که شهید صدر در عین حال که حمایت سیاسی حاکمان وقت را از تفکر سنی می‌پذیرد، رکود را در این حوزه ادعا می‌کند.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- در حالی که مسلماً پذیرش رکود در حوزه‌ی سنی با پذیرش تأثیرپذیری حوزه‌ی سنی از اوضاع سیاسی که شکوفایی حوزه‌ی سنی را در بر دارد، ما را با تناقض روبرو می‌نماید. همان‌طور که قبلاً دیدیم، اوضاع سیاسی به نفع اهل سنت بود. قاعدتاً در چنین اوضاعی تفکر سنی نمی‌توانست با رکود مقرون باشد.

## بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- کسانی که در زمینه‌ی رکود شیعه در این دوران سخن گفته‌اند، از این دو عامل یادی نکرده‌اند.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- دیدیم شیخ طوسی و سید مرتضی همزمان، در صد طرحی نو و جامع برای اصول بودند و هر یک دیدگاه‌های خویش را مطرح کردند.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- با وجود مشترکات اصولی، در مسأله‌ی حجیت خبر واحد، تفاوت بسیار فاحش بین نظرات این دو اصولی بزرگ وجود دارد: سید مرتضی اصرار بر عدم حجیت دارد و ادعای اجماع می‌کند و شیخ طوسی اصرار بر حجیت خبر واحد دارد و در مورد آن ادعای اجماع می‌کند. سید در درسش اصرار بر عدم حجیت خبر واحد دارد و آن را در ذریعه می‌نویسد، شیخ پای درس استاد اصرار بر عدم حجیت خبر واحد دارد و آن را در عده می‌نویسد.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- همین نقطه نظرات مستقل شیخ، نشانگر صاحب رأی بودن او در عین شاگردی سید است. شیخ جوان، پا به پای استاد خویش به طرح اندیشه-هایی مستقل می پردازد.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- بعد از شیخ، نظر شیخ مقبول می‌افتد. حوزه‌ی نجف با حفظ اندیشه‌ی شیخ طوسی یک قرن زعامت و مرجعیت شیعه را بر عهده می‌گیرد. نوع کسانی که در این دوران به مرجعیت رسیده‌اند، فرزندان و نوادگان شیخ طوسی هستند. همان گونه که قبلاً هم گفتیم، اولین مرجع بعد از شیخ، فرزند او ملقب به مفید ثانی است و بعد از او تا صد سال مرجعیت همچنان در بیت شیخ طوسی است.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- وضعیت خیلی از این شخصیت‌ها، کاملاً مشخص نیست. برخی به ذکر بعضی از آنها پرداخته‌اند. مرحوم سید محسن امین در آنجا که زندگی شیخ طوسی را بیان می‌کند، اشاره‌ای نیز به جمله‌ای از یکی از علمای اهل سنت در مورد یکی از نوادگان شیخ طوسی دارد. آن عالم سنی گفته است: اگر صلوات بر غیر پیغمبر جایز بود، بر این شخصیت - نوهی شیخ طوسی - صلوات می‌فرستادم.



## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- علمای بعد از این فتره، از این فتره با دوران تقلید یاد می‌کنند. از جمله‌ی این علما، سدید الدین محمود حمصی از اهالی حمص سوریه است. وی از کسانی می‌باشد که دوران رکود را دیده‌اند. آن گونه که شهید ثانی از قول سید بن طاووس در کتاب «البهجة لثمرة المهجة» و وی از جدش ورام بن ابی فراس نقل می‌کند، حمصی می‌گوید: لم یبق للامامیه مفت علی التحقيق بل کلهم حاک [برای امامیه مجتهدی باقی نمانده است، همه کسانی که هستند مقلد و ناقلند]. شهید ثانی این مطلب را در الدراية فی علم مصطلح الحدیث مطرح می‌کند.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- مراد از مقلد بودن علما در این دوره، این نیست که آنها اصلاً مجتهد نبودند. آنها به ادله و فتوای شیخ نگاه می‌کردند و آنها را تام و کامل می‌یافتند. از این روی همان گونه که شیخ فتوا می‌داد، آنها هم فتوا می‌دادند. بنابراین آنها به یک معنایی مجتهد بودند. از استدلال‌های شیخ در مسأله آگاه بودند؛ اما در مقابل آن ادله و استدلال‌ها نظر جدیدی نداشتند.

## نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- منافاتی ندارد که یک نفر مجتهد باشد، در عین حال فتوایش با مجتهد دیگر یکی باشد و به همان چیزی عمل کند که مجتهد دیگر عمل می‌کند و دلایلی را بپذیرد که مجتهد دیگر می‌پذیرد. به چنین شخصی مقلد نمی‌گویند. اگر حمصی و علمای دیگر، آنها را مقلد می‌نامند، از آن روست که نوآور نبودند، دیدگاه‌های تازه‌ای نداشتند و آنچه را شیخ گفته بود، تکرار می‌کردند. آنها به این معنا مجتهد نبودند.